

روحانیت، تبلیغ سامان مند و توسعه

○ محسن هشتاد

برجسته، تأثیرگذار و به شدت قابل اعتناست و در برنامه‌ریزی‌های توسعه باید مورد توجه شایسته و بایسته قرار گیرد. والا با نادیده گرفتن پتانسیل مبلغان مذهبی که همواره در طول تاریخ و در فرایندهای گوناگون در درازای زمان دینامیک حرکت‌ها بوده‌اند، عملاً یک خلأ میان جامعه موجود و جامعه موعود پدید می‌آورد که با هیچ چیز دیگر قابل جبران نیست. و شاید از همین رو باشد که گفته‌اند «اذا مات العالم نلم فی الاسلام ثلثة لایسدها شیئی» و چه که به راستی جای هیچ عالمی را عالم دیگر نمی‌تواند پر کند که او هر چه عالم باشد در جای خویش است و با کوچ مبلغی، متبری بی‌واعظ و محرابی بی‌امام می‌ماند. پس نادیده گرفتن این توان که در حقیقت نبود همه مبلغان را معنا می‌دهد خلائی غیر قابل جبران پدید می‌آورد و توسعه را در چالش‌هایی فرار و عملاً با مشکل مواجه می‌کند. اما بهره‌وری صحیح از داده‌های مبلغان و

تابلوی توسعه را روشن کنند و قطعه‌ای از پازل توسعه را بیابند.

خداوند نیز می‌خواست با ارائه الگوی انسان کامل، آدمیان را در یافتن قطعه‌های پازل یاری رساند. تعریف‌هایی نیز که از انسان کامل ارائه می‌شود نیز تعریفی روشن از انسان توسعه یافته به دست می‌دهد. اصرار مکتب اسلام بر شرح صدر و صبر و بردباری را که گاه همراه و همسنگ صلاة آمده و فرموده‌اند: «واستعینوا بالصبر و الصلاة» نیز می‌تواند پرده برداری از این حقیقت نماید که بستر توسعه، صبر و بردباری و افزودن بر توان تحمل می‌باشد.

پرورش انسانیت انسانها و به توسعه رساندن افراد نیز هنری است که از مبلغان ساخته است و تکلیفی است که به حکم آیه تفر بر عهده دین‌آموزان و دانش‌آموخته‌گان مکاتب و مدارس دینی است. لذا نقش مبلغان و روحانیان که با انسان سر و کار دارند در فرایند توسعه، نقشی

به جرأت می‌توان گفت بشر، از هماندم که پایه عرصه حیات گذاشت، توسعه نیز متولد شد و به عبارت دیگر، تاریخ تولد توسعه دقیقاً همان تاریخی است که در شناسنامه بشر نوشته‌اند. و این بشر که با حکم مأموریت جانشینی خدا پایه زمین گذاشت هر روز به فراخور کشف خویش، توسعه یافت و به اندازه‌ای که به زوایای پیدا و پنهان خود واقف گشت بزرگ شد و قد کشید و در پاره‌ای از قطعه‌های تاریخ نیز که از خویشتن خویش غافل ماند، از توسعه نیز عاجز شد. پس می‌توان مدعی شد که توسعه و خودشناسی دو مفهوم همزاد و همراهند که بودنشان با هم است و ارتفاع هر یک ارتفاع دیگری را در پی دارد. شاید فرمایش امام علی (ع) که فرمود: «اتزعم انک جرم صغیر / و فیک انطوی العالم الاکبر / هوشیار باشی به آدمیان باشد که با خودشناسی مسیر توسعه را بهتر شناسند و به ازای روشن کردن هر چراغی در خویش، قطعه‌ای از

عالمان دینی می‌توانند بازدهی به نام به سلامت رهیدن جامعه از چالش‌های گوناگون داشته باشد. مبلغان مذهبی نیز باید خود را برای پرداختن هزینه توسعه بیش از هر زمان و هر قشر مهیا کنند، چرا که این تکلیف بر عهده جز آنان گذاشته نشده است. وحتى از آدمیان خواسته نشده که بپرسند اما از عالمان و تبلیغ‌گران و پیام‌رسانان دین خواسته شده است که پیام مکتب را به انسانها برسانند.

اگر بپذیریم که همه عالم برای انسان خلق شده - که شده و می‌پذیریم - پس انسان برترین و شریف‌ترین و قابل احترام‌ترین موجود است و بالتجربه شناخت او نیز برترین علوم و در فرایند توسعه نیز زیر بنا و محور انسان است و شناخت او، زیر ساخت توسعه، پس نگاه به علوم انسانی و به دین آموخته‌گانی که با تبلیغ به سراغ انسان‌ها می‌روند و در پی تربیت آنها هستند باید بیش از گذشته به دیده حرمت نگریست. و از دیگر متظر اگر توسعه مقدس باشد، لوازم و ابزار آن و نیز فن‌آوری آن هم مقدس خواهد بود و مهمترین ابزار توسعه نیز می‌تواند مبلغان مذهبی باشند که قادرند صدای توسعه را تا اقصی نقاط ببرند و دورترین روستاها را و دورافتاده‌ترین روستایان را هم با کاروان بشریت همراه کنند. نگاه به تاریخ نیز نقش مبلغان را برجسته می‌نماید، چرا که توسعه جهان غرب نیز گسترش فرهنگ خود را مدیون مسیونرها و مبلغان مذهبی است که از جان مایه گذاشتند تا خمیرمایه توسعه جهان اول را از دورافتاده‌ترین نقاط جهان جمع کنند. مبلغان دینی ما نیز می‌توانند این نقش را، منتهی در سلامت کامل، و به قصد پرورش انسان و نه استحمار و استعمار او، ایفا کنند، چرا که دین ما دین تفقه و عقلانیت و خردگرایی است و نه چیز دیگر و چنین دینی نمی‌تواند جز عقلانیت فردی و اجتماعی را بخواهد.

به نظر می‌رسد مبلغان نیز برای ایفای رسالت خود در فرآیند توسعه باید داشته‌ها و یافته‌های خود را تدوین نمایند و برنامه‌ریزی شده، منطقی و گام به گام به پیش بروند و در شیوه تبلیغ نیز باید قرآن را الگو قرار دهند. خصوصاً تبلیغ قدم به قدم و آموختن شیوه راه رفتن به طفل را از نظر دور ندارند، چرا که هیچ مادری یاقوت نمی‌شود که راه رفتن نیاموخته در دوی سریع و پرتک و تا فرزند نوباوه خویش را برای همیشه از رفتن باز دارد.

و خداوند نیز که مهر همه مادران قطره‌ای از مهر اوست - هیچگاه انسان را در راه تربیت و در مسیر «شدن» به رنج و مشقت نمی‌اندازد. قضیه حرمت شرب خمر می‌تواند درس آموز خوبی برای مبلغان باشد آنجا که ابتدائی فرماید مسکرات مضراتی دارد اما منافعی نیز برای مردم دارد «قیه‌ماثم کبیر و منافع للناس» و تا این یاور در مردم نهادینه شد، آدم‌های یک گام در مسیر توسعه عقلانیت و دوری از عقل‌کشی برداشتنند، لحن کلام خطابی‌تر و امری‌تری می‌شود و می‌فرماید نزدیک نماز نشوید در حالی که مستید! «اولا تقربوا الصلاة و اتمم سکاری» و این موضوع که در باور آدم‌ها نهادینه می‌شود و می‌پذیرند که در حالت مستی به نماز نزدیک نشوند و زمینه برای طرد همیشگی «عقل‌کشان» فراهم می‌شود، رسماً و صریحاً فرمان حرمت مسکرات صادر می‌شود. این شیوه شاید به ظاهر رفورمیستی به نظر آید و برخی افراد را که به جای اصلاح طلبی همواره در پی براندازی هستند امانت‌گیری به مراتب بیشتر از هر نوع شیوه تربیتی دیگر دارد. پس شایسته است که مبلغان عزیز در تربیت انسان‌ها به این طرفه ظرافت که در کتاب و سنت فراوان یافت می‌شود و امروزه نیز روانشناسان و جامعه‌شناسان به آثار بسیار مثبت آن پی برده‌اند، عنایت ویژه داشته باشند. خیلی بجا خواهد بود اگر هر روستا، هر محل و هر مسجدی شناسنامه تبلیغی داشته باشد به گونه‌ای که آموزش‌های ارائه شده و گفتنی‌های داده شده در آن ذکر شود تا مبلغ بعدی که می‌آید بدون برنامه سخن نگوید و گفتنی‌ها را تکرار ننماید که تکرار اگر چه در جای خود آثار مثبت دارد اما آنجا که جای تکرار نیست زمینه وارد گلی مخاطبان را فراهم می‌آورد خصوصاً اگر مخاطبان نسل جوان و تحصیل کرده باشند. اما با تدوین شناسنامه تبلیغی این مشکل حل می‌شود و داده‌های آن تریون نیز هم توسعه یافته و هم سامان‌مند می‌شود و هم گریز گام‌های مخاطبان را می‌گیرد و زمینه ریزش مخاطبان را از میان می‌برد و ساحت اندیشمندان را از تکرارهای زاید و مخاطب‌گریز پاک می‌نماید.

□ جزم اندیشی دشمن بی نقاب توسعه

امروزه به روشنی قابل دریافت است که اولین گام در توسعه، سعه صدر و پرهیز از

● به نظر می‌رسد مبلغان نیز برای ایفای رسالت خود در فرآیند توسعه باید داشته‌ها و یافته‌های خود را تدوین نمایند و برنامه‌ریزی شده، منطقی و گام به گام به پیش بروند و در شیوه تبلیغ نیز باید قرآن را الگو قرار دهند.

● با نادیده گرفتن پتانسیل مبلغان مذهبی که همواره در طول تاریخ و در فرایندهای گوناگون در درازای زمان دینامیک حرکت‌ها بوده‌اند، عملاً یک خلأ میان جامعه موجود و جامعه موعود پدید می‌آورد که با هیچ چیز دیگر قابل جبران نیست.

وجود یابد و به جای کانون‌های قدرت فیزیکی مکاتب، اندیشه الهی جان بگیرد... فکر می‌کنم این هم تصویری دور از ذهن نیست. و دور از ذهن نمی‌نماید که این تصویرها روزی به تصدیق بدل شوند و آیه نعر فرآیند توسعه را شتاب بخشد.

□ مخاطب شناسی، نیازمبلغ توسعه

به نظر می‌رسد بهترین اندیشه‌ها هنگام طرح اگر قابل درک، برای فهم مخاطب نباشد، مثل بذردر کویرافشاندن و زراعت در دریا کردن باشد. حال آنکه یک اندیشه متوسط یا گوینده‌ای که مخاطب را می‌شناسد و زبان او را می‌داند می‌تواند ثمرات بهتری به دست دهد. مخاطب ناشناسی باعث می‌شود که گوینده تئوری‌های توسعه را در خلأ طرح کند. پس برای پرهیز از چنین رویدادی شایسته است که مبلغان به نیازشناسی، زمان‌شناسی و اقتضاشناسی اشراف داشته باشند و بتوانند مطابق با نیاز مخاطبان و اقتضای دوران گذار با مردم سخن بگویند. گفته‌ها نیز هر چه کاربردی‌تر تأثیرگذارتر خواهد بود.

□ اصلاح و پیرایش باورها، ضرورت عصر توسعه

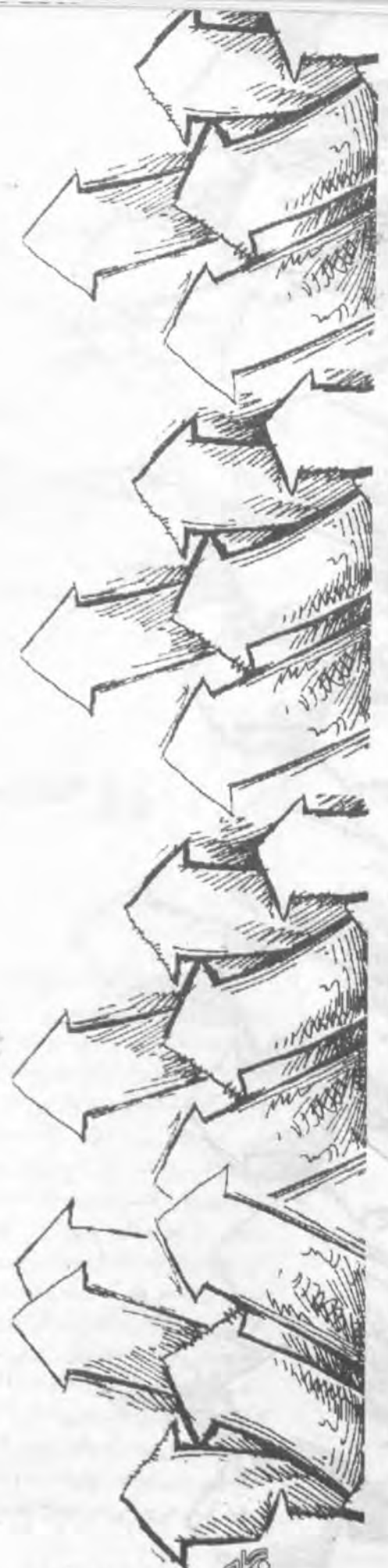
مبلغان مذهبی باید خرافه‌زدایی از دین را به هر قیمتی انجام دهند و در پیرایش باورهای مردم از هیچ تلاشی فروگذار ننمایند. مخصوصاً این را به مردم بیاموزند که دنیا هزار نقش و هزار رنگ دارد و سیاه و سفید دیدن نه تنها دین را حفظ نمی‌کند که دنیا را و دین را با مشکل مواجه می‌کند و در حقیقت هم این گونه نیست که هر

مطلق‌انگاری و جزم‌اندیشی و واکنش شدن در برابر بیماری خطرناک دگماتیسم است. چرا که دگماتیسم و فضا و عناصر و جریان‌های دگم، به هیچ وجه استعداد توسعه را ندارند و از دیگر سوریته‌های توسعه را نیز می‌خشکانند.

رسالت مبلغان نیز اقتضا می‌کند که نه تنها خود هیچگاه مطلق‌انگاری را به ساحت اندیشه خود راه نهند و از سیاه و سفید دیدن فضا را پرهیز کنند که مخاطبان خود را نیز به سمت فهم خرده‌دارانه هدایت نمایند. باید پذیرفت در زمانی که علم و اندیشه بر اساس لحظه‌ها سنجیده می‌شود، هر لحظه گم شدن در وادی دگم‌اندیشی خسارتی غیرقابل جبران است و پدیدآورنده فاصله‌ای دهشتناک با فرآیند توسعه که به راحتی قابل جبران نیست. پس تأکید این نکته ضروری می‌نماید که مبلغان باید به هر نحو شده غول دگماتیسم را بر زمین بزنند و آدم‌ها را از یک دور باطل مطلق‌انگاری بدر آورند و دینامیک حرکت افراد و بالطبع جامعه را به اندیشه‌ورزی رهنمون سازند.

□ آیه نفرو فرآیند توسعه

شاید بتوان به محض شنیدن آیه نفر این تصور را به ذهن آورد که هم‌اکنون دین آموخته‌گان حوزوی بارخوشی را برای سفر به اقصای عالم بسته‌اند و می‌خواهند برای ادای تکلیف و بی‌افکندن فضایی جدید بر مبنای الگوهای دینی به رسالت خویش عمل نمایند و سرآن دارند تا با انداز و تبشیر و خداآموزی و معادآموزی، جا را برای رشد و تکثیر زورگاه‌های جسمانی چنان تنگ کنند که تنها اندیشه‌گاه‌های فکری و فرهنگی مجال



● باید پذیرفت در زمانی که علم و اندیشه بر اساس لحظه‌ها سنجیده می‌شود، هر لحظه گم شدن در وادی دگم‌اندیشی خسارتی غیرقابل جبران است و پدیدآورنده فاصله‌ای دهشتناک با فرآیند توسعه که به راحتی قابل جبران نیست.

● اسلام خود بستر توسعه را پهن کرده و خود پیروان خویش را مجال روشنفکری داده است و چنان سامانمند و به قاعده وارد تعاملات اندیشه‌ای شده است که همه اندیشمندان را شیفته خویش کرده است.

جریان و فکر و مکتبی سیاه باشد. می‌توان از داشته‌های مثبت هر فکر و اندیشه بهره گرفت و منغیات را کنار گذاشت.

□ مبلغان، دین و قابلیت توسعه

اسلام را شاید بتوان تنها مکتبی دانست که با وضع قوانین و به جان نهدن قالب‌هایی خاص این امکان را فراهم آورده است که در همه زمان‌ها به باز تولید خویش پردازد و همپای زمان به پیش رود و با آهنگ توسعه، توسعه یابد و هر چه جریان توسعه به پیش می‌رود، اسلام شناسان بیشتر به اسلام واقف و در ایمان خود راسخ می‌شوند و در می‌یابند که چرا این دین پایان همه دین‌هاست. اسلام خود بستر توسعه را پهن کرده و خود پیروان خویش را مجال روشنفکری داده است و چنان سامانمند و به قاعده وارد تعاملات اندیشه‌ای شده است که همه اندیشمندان را شیفته خویش کرده است.

به نظر می‌رسد مبلغان می‌توانند با توجه به دین و ساحت وسیع آن مردم را با قواعد توسعه یافتگی از نگاه دین آشنا کنند و آنان را تا بلندای توسعه یافتگی و کمال رهنمون شوند.

□ تغییر زبان و ادبیات و ضرورت توجه مبلغان

این یک واقعیت است که در تطور زمان، زبان هم شامل تطور می‌شود و به فراخور اعصار ادبیات جدیدی وارد گستره واژگانی بشریت می‌شود. امروز نیز در عصر توسعه، ادبیات جدیدی رخ نموده است و می‌طلبد که اهل زمان بدان توجه کنند و این توجه نیز به عنوان یک ضرورت غیر قابل انکار جلوه‌گری می‌کند، چه که مخاطبان

امروزه بدان خو گرفته‌اند و گفتن بدون تسلط بر این ادبیات، مخاطبی را همراه نخواهد داشت. مبلغان نیز باید این نکته را دریابند و ادبیات روز را نیز فراگیرند و در راستای تبلیغ اندیشه‌های خود از آن مدد گیرند.

بی‌شک خود واعظان و مبلغان بیش از هر کس دیگری دریافته‌اند که امروزه لحن صرفاً فقهی و تکلیفی پاسخ نخواهد گرفت و شیوه متکلم‌وحده بودن در تبلیغ دیگر باید جای خود را به سبک‌های نوین انتقال می‌دهد.

دیگر از پایداری تبلیغ، اقتضای حال مخاطب است، چرا که گاه این امر را هم باید در قالب غیر امری آورد... «و یا الودیع احسانا» مثال خوبی در این زمینه است که پیام امری «آه و الذین خود نیکی کنید» اما لحن امری ندارد. امروزه نیز این شیوه بیشتر با طبیعت مردم سازگار است و امر و نهی جای کمی کمتر در فطرت آدم‌ها می‌یابند علاوه بر این، زبان و ادبیات روز آشنایی با قرائت‌های تازه از دین، معرفت نسبت به گفتمان‌های مجوری معرفت‌نشی در هر زمان از نکاتی است که همواره باید مد نظر واعظان و مبلغان مذهبی قرار داشته باشد.

این شیوه می‌تواند مخاطبان را هم با فرایند توسعه فکری و فرهنگی و معرفتی همراه کند به نحوی که دیگر فردا روشنفکری و توسعه یافتگی تنها در انحصار نهادهای فرهنگ ساز نباشد، بلکه همه آحاد مردم توان این را داشته باشند که به توسعه یافتگی دست یابند و به عنوان روشنفکر به فرادها چشم‌دوزند.

